

چگونگی شهادت حبیب بن مظاهر اسدی

دکتر محمد سالم محسنی^۱

تاریخ پذیرش: ۰۰/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۷/۱۴

چکیده

حبیب بن مظاهر اسدی از یاران برجسته و تأثیرگذار امام حسین علیه السلام است که در کربلا به شهادت رسید. این تحقیق با روش توصیفی به بررسی چگونگی مبارزه و شهادت حبیب بن مظاهر پرداخته و به این نتیجه انجامیده است که حبیب پس از درگونی اوضاع کوفه و شهادت مسلم بن عقیل، خود را به کربلا رساند و در حمایت از امام حسین علیه السلام بسیار تلاش کرد. حبیب در هر صحنه برای حمایت از امام حسین علیه السلام اعلام آمادگی می‌کرد و در موقعیت‌های حساس در برابر لشکر دشمن به محاجه و موعظه می‌پرداخت و در نبرد با آنان پیشگام بود. حبیب به سبب تجربه زیادی که در امور جنگ داشت، از سوی امام حسین علیه السلام به عنوان فرمانده جناح چپ لشکر منصوب شد. حبیب در میدان نبرد با رجزهای خود، صبر، مقاومت، فداکاری و شجاعت اصحاب سیدالشهدا علیه السلام و نیز کینه‌توزی و شرارت دشمن را بازگو می‌کرد.

۱. دکتری فلسفه اسلامی و مدرس جامعه المصطفی العالمية، قم، ایران. ms.muhseni@yahoo.com

حیب سرانجام توسط افرادی از بنی تمیم به شهادت رسید. قاتلان حیب سر آن بزرگوار را از بدن جدا کرده، به گردن اسب آویختند و در میان لشکر گردش دادند و سپس به کوفه نزد ابن زیاد بردند. شهادت حیب بر امام حسین علیه السلام بسیار سخت و شکننده بود.

کلیدواژه‌ها: اصحاب سیدالشهدا علیهم السلام، حیب بن مظاهر، عاشورا، کربلا.

مقدمه

حیب بن مظاهراسدی یکی از اصحاب برجسته و شناخته شده سیدالشهدا علیه السلام است. وی در دعوت امام حسین علیه السلام به کوفه نقش مهمی داشت و پس از ورود مسلم بن عقیل به کوفه جزو نخستین افرادی بود که با او بیعت کرد و در بیعت گرفتن از دیگران نیز بسیار تلاش نمود. حیب بعد از شهادت مسلم و آمدن امام حسین علیه السلام به کربلا، مخفیانه از کوفه خارج شد و خود را به سپاه سیدالشهدا علیهم السلام رساند و در روز عاشورا در کربلا به شهادت رسید.

هدف این پژوهش معرفی جایگاه و نقش حیب بن مظاهر در سپاه سیدالشهدا علیه السلام و چگونگی مبارزه و شهادت او در کربلا است. برای رسیدن به این منظور نگارنده به مطالعه اسناد و منابع تاریخی معتبر و متقدم تا قرن هفتم هجری پرداخته و با استفاده از روش توصیفی شخصیت حیب را اجمالاً معرفی کرده و نقش وی را در سپاه سیدالشهدا علیهم السلام و صحنه نبرد و شهادتش را به طور مستند گزارش کرده است.

معرفی شخصیت حیب بن مظاهر

حیب بن مظاهر^۱ اسدی از بزرگان اصحاب سیدالشهدا علیه السلام بود. وی جزو اصحاب خاص امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام نیز به شمار می‌رفت (طوسی، ۱۳۷۳: ۶۰، ۹۳، ۱۰۰؛ مفید، ۱۴۱۳ الف: ۳، ۷؛ برقی، ۱۳۴۲: ۴، ۷). البته برخی او را از جمله صحابی رسول

۱. در برخی منابع نام پدر حیب به صورت مُظَهَّر و مُظَهَّر نیز ضبط شده است.

خدا سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز یاد کرده‌اند (ر.ک. ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۴۲/۲؛ سماوی، ۱۳۷۷: ۱۰۰). گفتگوی حبیب بن مظاهر با میثم تمار و زُشید هَجَری درباره رویدادهای آینده آنان که از «به دار رفتن میثم و گرداندن سر حبیب در کوفه و اهدای جایزه صد درهمی به آورنده آن خبر دادند» (کشی، ۱۴۰۹: ۷۸-۷۹)، حکایتگر کمالات معنوی آن بزرگواران است و بدین خاطر برخی، آنها را در شمار اصحاب سزّامیر المؤمنین قرار دادند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۲۳۲/۶-۲۳۳).

حبیب بن مظاهر جزو نخستین کسانی بود که به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نامه نوشت و آن حضرت را به کوفه دعوت کرد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳/۳۶۹؛ دینوری، ۱۳۷۳: ۲۳۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵/۳۵۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/۳۷). او بعد از ورود مسلم بن عقیل به کوفه با وی بیعت کرد و در بیعت گرفتن از دیگران نیز نقش مهمی ایفا کرد (طبری، ۱۳۸۷: ۵/۳۵۵؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵/۳۴؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۱/۲۸۶). وقتی مسلم وارد شهر کوفه شد، نامه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را در جمع شیعیان قرائت کرد؛ در این میان، حبیب بن مظاهر در کنار دیگر شیعیان و بزرگان کوفه مانند عابس بن ابی شیبب شاکری و سعید بن عبدالله حنفی از جا برخاست و در حمایت از مسلم اعلام آمادگی کرد. حبیب و یارانش وعده دادند که تا آخرین رمق حیاتشان مسلم را همراهی کرده و در برابر دشمنان ایستادگی کنند (طبری، ۱۳۸۷: ۵/۳۵۵؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵/۳۳-۳۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/۴۱؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۱/۲۸۶). حبیب پس از شهادت مسلم بن عقیل، خود را به کربلا رساند و به سپاه سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام پیوست. به تعبیر برخی، حبیب از جمله هفتاد نفری بود که در راه یاری امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، کوه‌هایی از آهن را پیش روی خود دیدند ولی با سینه و صورت به استقبال نیزه‌ها و شمشیرها رفتند (کشی، ۱۴۰۹: ۷۹).

نقش حبیب در سپاه سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام

حبیب بن مظاهر پیرمرد با تجربه و فردی تأثیرگذار بود؛ از این رو در سپاه سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام نقش مهمی به وی واگذار شد. در صبح روز عاشورا وقتی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به آرایش نظامی سپاه پرداخت و نقش فرماندهان را تعیین می‌کرد، حبیب را فرمانده

جناح چپ لشکر (میسره) قرار داد و زُهی‌بن قین را فرمانده جناح راست (مِیمنه) تعیین کرد و پرچم را به برادرش ابوالفضل‌العباس سپرد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳/۳۹۵؛ دینوری، ۱۳۷۳: ۲۵۶؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵/۴۲۲؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/۹۵؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۶/۲-۷).

فعالیت‌های حبیب در حمایت از سیدالشهدا علیه السلام

حبیب بن مُظاہر در حمایت از امام حسین علیه السلام تا پای جان ایستادگی کرد. او در موقعیت‌های حساس در خط مقدم رویارویی با دشمن، حضور داشت. از مهم‌ترین فعالیت‌ها و فداکاری‌های او به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- **دعوت از طایفه بنی‌اسد:** روز ششم محرم که سپاه پرشمار عمرسعد به کربلا رسیدند و در مقابل سپاه اندک امام حسین علیه السلام قرار گرفتند، حبیب بن مُظاہر نزد آن حضرت رفت و پیشنهاد کرد که در این نزدیکی‌ها روستایی است که جمعی از قبیله بنی‌اسد در آنجا زندگی می‌کنند، اگر اجازه بدهید من بروم از آنها دعوت کنم تا شاید ما را یاری کنند و به وسیله آنان برخی مشکلات ما برطرف شود. امام علیه السلام فرمود: برو از آنان طلب یاری کن. حبیب بن مُظاہر در دل شب و به صورت ناشناس حرکت کرد و خود را به قوم بنی‌اسد رساند، وقتی بر آنها وارد شد، به همدیگر سلام کردند. آنان حبیب را می‌شناختند و می‌دانستند که از قبیله بنی‌اسد است؛ از این رو، پرسیدند ای پسر عمو چه کار داشتی و برای چه اینجا آمدی؟ حبیب اوضاع را برای آنان گزارش داد و گفت از شما برای یاری فرزند دختر پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می‌کنم که اینجا آمده و در محاصره سپاه ۲۲ هزار نفری عمر سعد قرار گرفته است. اگر در این امر دعوت من را بپذیرید، در دنیا و آخرت سربلند گشته و پاداش الهی نصیب شما خواهد شد. دعوت حبیب بن مُظاہر مورد پذیرش قرار گرفت. مردان قبیله بنی‌اسد آماده شدند و با حبیب به سوی امام حسین علیه السلام حرکت کردند؛ اما در این میان، فردی از آنجا جاسوسی کرده، خبر را به عمرسعد رساند. ابن‌سعد یکی از یارانش به نام آزر بن حارث صیداوی را با چهار هزار نفر فرستاد تا مانع پیوستن بنی‌اسد به لشکر حسین علیه السلام شوند. آنها بر کناره فرات راه را بر قوم بنی‌اسد گرفتند و به شدت وارد



جنگ شدند. حبیب فریاد زد: وای بر توای آرزق! چه شده تورا؟ ما را واگذار! اما این تلاش به جایی نرسید. وقتی بنی اسد وضعیت را چنین دیدند، به سوی خانه هایشان برگشتند و حبیب نزد امام حسین علیه السلام بازگشت و ماجرا را گزارش داد، امام علیه السلام فرمود: هرچه خدا بخواهد همان خواهد شد. هیچ نیرو و قوتی نیست مگر به قدرت خداوند بلندمرتبه و با عظمت (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳/۳۸۸؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵/۹۰-۹۱؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۱/۳۴۵).

۲- موعظه حبیب در عصر تاسوعا: وقتی لشکر عمر بن سعد در عصر تاسوعا به سوی خیمه های سیدالشهدا علیه السلام حمله کردند، حبیب بن مظاهری یکی از کسانی بود که در کنار حضرت عباس و جمعی دیگر که حدود بیست نفر بودند، در برابر دشمن رفته، به گفتگو پرداخت. در این رویداد وقتی حضرت عباس از آنها پرسید که چه می خواهید؟ آنان گفتند: دستور امیر عبیدالله بن زیاد رسیده که بر شما حمله کنیم تا تحت فرمان او درآیید یا شما را تحت فرمان او درآوریم. عباس گفت: عجله نکنید تا نزد امام حسین علیه السلام برگردم و آنچه را گفتید به او گزارش دهم (طبری، ۱۳۸۷: ۵/۴۱۶-۴۱۷؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/۸۹-۹۱). حضرت عباس از آنجا به سوی خیمه امام حسین علیه السلام برگشت تا پیام آنها را برساند و از حضرت کسب تکلیف کند اما بقیه اصحاب در برابر دشمن ایستادند و آنان را موعظه می کردند. در این میان حبیب بن مظاهر به زُهر بن قین گفت اگر تمایل داری با این قوم سخن بگو و اگر می خواهی من با آنان سخن بگویم؟ زُهر گفت شما این پیشنهاد را مطرح کردید پس با آنان سخن بگویید. آن گاه حبیب خطاب به لشکر کوفه فرمود:

«أما والله لبئس القوم يقدمون غدا على الله عز وجل وعلى رسوله محمد وقد قتلوا ذريته وأهل بيته وعباد اهل هذا المصر المتجهدين بالأسحار والذكارين الله كثيرا»؛
 فردای قیامت بدترین قوم نزد خداوند کسانی هستند که فرزندان پیامبرشان و خاندان و اهل بیتش و بندگان عابد این شهر را که سحرگهان به شب زنده داری می پردازند و بسیار ذکر خدا می گویند، کشته اند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳/۳۹۲؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵/۴۱۶-۴۱۷؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۵/۹۸؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲/۹۵؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۱/۳۵۳-۳۵۴).

۳- ایستادگی حبیب در برابر گستاخی شمر: امام حسین علیه السلام در روز عاشورا قبل از آغاز جنگ بر شتر سوار شد و در برابر لشکر دشمن به احتجاج پرداخت. وقتی امام علیه السلام آنان را نصیحت و موعظه می کرد و نسبت خود را با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان می نمود، شمر صدا زد:

«هُوَ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ إِنْ كَانَ يَدْرِي مَا يَقُولُ!»؛

خدا را به زبان و حرف می پرستم اگر می دانستم که حسین چه می گوید.

حبیب در برابر شمر ندا داد:

«وَاللَّهِ إِنِّي لَأَرَاكَ تَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى سَبْعِينَ حَرْفًا، وَأَنَا أَشْهَدُ أَنَّكَ صَادِقٌ مَا تَدْرِي مَا يَقُولُ، فَذُ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِكَ»؛

به خدا قسم تو خدا را به هفتاد حرف عبادت می کنی یعنی هفتاد نوع شک و تردید در دل تو وجود دارد. من گواهی می دهم که تو راست می گویی که آنچه را حسین بیان می دارد، نمی فهمی؛ چون خداوند بر قلب تو مهر زده است (طبری، ۱۳۸۷: ۴۲۵/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۹۸/۲).

۴- آمادگی حبیب در برابر مبارزه طلبی دشمن: وقتی عمر سعد نخستین تیرا پرتاب کرد

و سپس لشکریانش تیراندازی را شروع کردند، دو نفر از آنان به نام یسار، غلام زیاد بن ابی سفیان و سالم، غلام عبیدالله بن زیاد به میدان نبرد آمده، مبارز طلبیدند و گفتند چه کسی حاضر است به جنگ ما بیاید؟ در اینجا حبیب بن مظاهر و بُریر بن خُضیر اعلام آمادگی کرده و برخاستند تا در برابر آنها به مبارزه بپردازند؛ ولی امام حسین علیه السلام به آنان فرمود: شما فعلاً بنشینند. بعد عبدالله بن عمیر کلبی اجازه نبرد خواست و امام علیه السلام به وی اجازه داد تا در برابر آن دو نفر به جنگ برود. عبدالله بن عمیر وقتی در مقابل آنها رفت، سالم و یسار پرسیدند تو که هستی؟ عبدالله خود را معرفی کرد. آنان حضور حبیب را در میدان مطرح کرده و گفتند ما تو را نمی شناسیم باید زُهِیر بن قین یا حبیب بن مظاهر به جنگ ما بیایند. عبدالله به یسار گفت: پسر زن بدکاره حالا کارت به جایی رسیده که افراد خاصی را به مبارزه می طلبی! هرکسی به مصاف شما بیاید از شما بهتر است. آن گاه بر یسار و سالم حمله کرد و آن دو را از پای درآورد (طبری، ۱۳۸۷: ۴۲۹/۵-۴۳۰؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۱/۲؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۱۱/۲).

۵- حضور حبیب بر بالین مسلم بن عوسجه: وقتی مسلم بن عوسجه در میدان جنگ به زمین افتاده و نفس های آخر را می کشید، امام حسین علیه السلام به طرف او رفت و فرمود: ای مسلم پروردگارت تو را رحمت کند؛ آن گاه حضرت این آیه قرآن را خواند: «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (احزاب / ۲۳)؛ برخی از مؤمنان به عهد خود وفا کرده و برخی دیگر به انتظار نشسته اند و از عهد خویش دست برنداشته اند.

در این حال، حبیب بن مظاهر نزدیک آمد و به مسلم گفت: از دست رفتن تو برایم خیلی سخت است؛ اما مژده باد تو را به بهشت. مسلم با صدای ضعیفی گفت: خدا شما را به خیر بشارت دهد. حبیب گفت: می دانم که به زودی به شما می پیوندم و گرنه هر چه وصیت می کردی آن را به بهترین نحو انجام می دادم (طبری، ۱۳۸۷: ۴۳۵/۵-۴۳۶؛ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۳/۲-۱۰۴؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۱۸/۲-۱۹؛ ابن نمای حلی، ۱۴۰۶: ۶۳؛ ابن طاووس، ۱۳۸۳: ۱۴۴-۱۴۶). مسلم گفت: من تو را چنین وصیت می کنم که تا پای جان از حسین علیه السلام حمایت کنی و در کنارش کشته شوی. حبیب نیز گفت: قسم به پروردگار کعبه که چنین خواهم کرد (طبری، ۱۳۸۷: ۴۳۶/۵؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۱۹/۲).

۶- ایستادگی حبیب در برابر حُصین بن تمیم: ظهر عاشورا هنگامی که امام حسین علیه السلام و یارانش از برگزاری نماز سخن می گفتند، فردی از لشکر دشمن به نام حُصین بن تمیم در برابر آنها گستاخی کرد و گفت: نماز شما قبول نمی شود. در این حال، حبیب بن مظاهر گفت: نماز خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله قبول نشود، نماز شما قبول می شود! حُصین بن تمیم به سوی لشکر امام علیه السلام حمله کرد و حبیب در مقابل او رفت و با شمشیر به صورت اسبش زد و حُصین به زمین افتاد تا اینکه یارانش آمدند و او را نجات دادند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۰۲/۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۴۳۹/۵؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۲۰/۲).

رَجَزِ خَوَانِي حَبِيبٍ فِي مَيْدَانِ نَبْرَدٍ

حبیب بن مظاهر وقتی با دشمن مبارزه می کرد، در رَجَزِهای خود از صبر، استقامت، ایمان و تقوای لشکر سیدالشهدا علیه السلام و نیز شرارت و کینه توزی لشکر دشمن سخن می گفت.

حبيب در ابتدا چنين رجز خواند:

أَفْسِيْمٌ لَوْ كُنْتُمْ أَعْدَادًا أَوْ شَطْرَكُمْ وَلَيْتُمْ الْأَكْتَادَا
يَا شَرَّ قَوْمٍ حَسَبًا وَأَدَاً وَيَا أَشَدَّ مَعْشَرٍ عَنَادَاً

به خدا سوگند اگر ما در عدد و شماره به اندازه شما يا به قدر نصف شما بوديم، همه رو به فرار آورده و به ما پشت مي كرديد، اي بدترين مردم از حيث حسب و قوت و اي جماعتي كه كينه توزترين مردم هستيد! (طبري، ۱۳۸۷: ۴۳۹/۵؛ خوارزمي، ۱۳۸۱: ۲۲/۲). حبيب سپس در رجز ديگر، خود را معرفي کرده و صبر و پايداري لشکر امام حسين عليه السلام را اين گونه توصيف کرد:

أَنَا حَبِيبٌ وَأَبِي مُظَاهِرٌ فَارِسٌ هَيَجَاءَ وَحَرْبٍ تُشْعَرُ
أَنْتُمْ أَعْدَاءُ عُدَّةٍ وَأَكْثَرُ وَنَحْنُ أَوْفَى مِنْكُمْ وَأَصْبَرُ
وَنَحْنُ أَعْلَى حُجَّةً وَأَظْهَرُ حَقًّا، وَأَتْقَى مِنْكُمْ، وَأَعْدَرُ

من حبيبم و پدرم مظاهر است، تک سوار ميدان نبردم هنگامی که جنگ شعله ور شود. شما اگرچه در عده و عده از ما افزون ترید ولی ما از شما با وفاتر و شکیباتریم. حجت ما برتر و حقانيت ما آشکارتر است و از شما با تقواتریم و دليل بهتری داریم (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۰۲/۳؛ طبري، ۱۳۸۷: ۴۳۹/۵-۴۴۰؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۱۰۷/۵؛ خوارزمي، ۱۳۸۱: ۲۲/۲؛ ابن شهر آشوب، بی تا: ۱۰۳/۴؛ ابن نماي حلي، ۱۴۰۶: ۶۲).

شهادت حبيب بن مظاهر

حبيب بن مظاهر وقتی وارد عرصه نبرد شد، جنگ شدیدی کرد و طبق نقل ابن شهر آشوب (بی تا: ۱۰۳/۴)، ۶۲ نفر از دشمن را کشت. حبيب سرانجام به دست چند نفر از بنی تميم به شهادت رسيد. درباره قاتل حبيب گزارش ها اندکی اختلاف دارند. بلاذری (۱۴۱۷: ۴۰۲/۳) شهادت حبيب را چنين گزارش کرده است:

فقاتل قتالا شديدا، و حمل على رجل من بني تميم يقال له بديل بن صريم فضربه بالسيف على رأسه فقتله، و حمل عليه رجل من بني تميم آخر فطعنه فوق ثم ذهب ليقوم فضربه الحصين بن تميم بالسيف على رأسه فسقط، و نزل إليه التميمي فاحتر رأسه؛



حبیب بر شخصی به نام بُدیل بن صُریم از بنی تمیم حمله کرد و او را کشت. در این هنگام مرد دیگری از بنی تمیم با نیزه بر حبیب زد و حبیب به زمین افتاد. حبیب خواست تا از جایش برخیزد که حُصین بن تمیم با شمشیر به سرش کوبید و حبیب بار دیگر به زمین افتاد. در این هنگام آن مرد تمیمی آمد سر حبیب را از بدن جدا کرد.

گزارش ابن اثیر در *الکامل* (۱۹۶۵: ۴ / ۷۰) نیز با روایت بلاذری هماهنگ است اما در گزارش های دیگر، بُدیل بن صُریم به عنوان قاتل یا شریک در قتل حبیب معرفی شده است (فُضیل بن زُبیر اسدی کوفی، ۱۴۰۶: ۱۵۲). خوارزمی (۱۳۸۱: ۲ / ۲۲) نیز بنا بر یک قول، بُدیل بن صُریم را قاتل او معرفی کرده است. از عبارت طبری به دست می آید که بُدیل بن صُریم یکی از کسانی است که در قتل حبیب شرکت داشته است. طبری (۱۳۸۷: ۵ / ۴۳۹-۴۴۰) چگونگی شهادت حبیب را به نقل از ابومخنف، چنین گزارش کرده است:

و قاتل قتالا شديدا، فحمل عليه رجل من بني تميم فضربه بالسيف على راسه فقتله - و كان يقال له: بدیل بن صریم من بني عقفان - و حمل عليه آخر من بني تميم قطعنه فوق، فذهب ليقوم، فضربه الحصين بن تميم على راسه بالسيف، و نزل اليه التميمي فاحتز راسه»؛

حبیب جنگ شدیدی کرد و سرانجام مردی از بنی تمیم به نام بُدیل بن صُریم از طایفه عقفان به طرف او حمله کرده با شمشیر بر او زد و سپس فرد دیگری از بنی تمیم با نیزه ضربتی وارد کرد که حبیب بر اثر آن ضربت به زمین افتاد. در این حال، حبیب خواست از جایش برخیزد که حُصین بن تمیم با شمشیر بر سرش کوبید و او بار دیگر نقش زمین شد. در این هنگام آن مرد تمیمی رفت و سر حبیب را از بدن جدا کرد.

عبارت بلاذری و طبری بسیار مشابه همدیگرند. به نظر می رسد یکی از آنها تصحیف شده باشد با این توضیح که یا عبارت بلاذری در اصل چنین بوده «حمل عليه رجل من تميم» و یا عبارت طبری چنین بوده که «حمل على رجل من تميم». بقیه گزارش آنها کاملاً با یکدیگر تطابق دارند.

در نهایت، بین حُصین بن تمیم و آن مرد تمیمی که سر حبیب را از بدن جدا کرده

بود، منازعه و اختلاف پیش آمد. حُصین بن تمیم به آن مرد تمیمی گفت: من در قتل حبیب با تو شریک هستم اما وی گفت: نه به خدا قسم تنها من او را کشتم. آن گاه حُصین بن تمیم گفت: سر حبیب را به من بده که به گردن اسب خود آویزان کنم تا مردم مشاهده کنند و بدانند که من در قتل او مشارکت داشتم، سپس سر را بگیر و نزد عبیدالله بن زیاد ببر، چون من به عطایایی که او به خاطر این سر می دهد، نیاز ندارم. اما مرد تمیمی امتناع ورزید و سر را به وی نداد. در آخر افرادی از قوم آنان در این مسئله مصالحه کردند و سرانجام مرد تمیمی سر حبیب را به حُصین بن تمیم سپرد و او سر را به گردن اسب خود آویخته، در میان لشکر گردش داد و پس از آن به مرد تمیمی بازگرداند. آن مرد تمیمی سر حبیب را به کوفه نزد ابن زیاد برد (طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۰/۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۰۲/۳-۴۰۳؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۷۰/۴-۷۱).

تأثیر گذاری شهادت حبیب بر امام حسین علیه السلام

مرگ حبیب بن مُظاهر بر امام حسین علیه السلام بسیار سخت تمام شد، چنان که گفته شده: «هَذَا ذَلِكْ حُسَيْنًا؛ شهادت حبیب، حسین را دَرهم شکست و ناتوان کرد»؛ از این رو امام علیه السلام هنگام شهادت وی فرمود: «عِنْدَ اللَّهِ أَحْتَسِبُ نَفْسِي وَ حُمَاةَ أَصْحَابِي؛ جان خود و یاران حمایتگرم را به حساب خدا می گذارم» (طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۰/۵؛ خوارزمی، ۱۳۸۱: ۲۲/۲؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۷۱/۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۱۸۳/۸).

سر حبیب در کوفه

مرد تمیمی که سر حبیب بن مُظاهر را از بدن جدا کرده بود، آن را به کوفه آورد. وقتی وارد کوفه شد سر را به گردن اسب خود آویزان کرده، به قصر ابن زیاد برد. اما قاسم پسر حبیب سر پدر را دید. او که نوجوانی بیش نبود، به دنبال مرد تمیمی می رفت و از وی جدا نمی شد، هر وقتی قاتل پدرش داخل قصر می رفت همراه او داخل می شد و هرگاه از قصر بیرون می آمد، او نیز همراهش خارج می شد. مرد تمیمی به او مشکوک شد و پرسید ای پسر چرا به دنبال من می آیی؟ قاسم گفت: چیزی نیست. اما آن شخص گفت: حتماً خبری هست، بگو چه شده است؟ آن گاه قاسم گفت: این سر که نزد تو است، سر پدر من

است، پس به من بده تا آن را دفن کنم. آن شخص گفت: پسرک! ابن زیاد اجازه دفن نمی‌دهد و من نیز می‌خواهم او در برابرین سر به من پاداش نیکو عطا کند. پسر حبیب گفت: لکن خداوند در قبال این کار به تو جز پاداش سوء، چیزی عطا نخواهد کرد. قاسم گریست و گفت: به خدا سوگند کسی را کشتی که بهتر از تو بود (طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۰/۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۰۳/۳). پسر حبیب همچنان در پی فرصت بود که انتقام پدرش را بگیرد تا اینکه در زمام مُصعب زُبیری در باجَمیرا داخل عسکراو شد و قاتل پدرش را در خیمه وی با شمشیر کشت (طبری، ۱۳۸۷: ۴۴۰/۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۰۳/۳).

نتیجه

مطالعه و بررسی احوال یاران و اصحاب سیدالشهدا علیه السلام نشان می‌دهد که آن بزرگواران در حمایت از امام حسین علیه السلام نهایت ایثار و فداکاری را از خود نشان دادند. از جمله اصحاب برجسته و سرشناس امام حسین علیه السلام در کربلا حبیب بن مظاهر اسدی بود. او از ابتدا در دعوت امام علیه السلام به کوفه و سپس در حمایت از مسلم بن عقیل نقش مهمی ایفا کرد اما پس از دگرگونی اوضاع کوفه و آمدن امام حسین علیه السلام به کربلا، حبیب نیز خود را مخفیانه به کربلا رساند و به سپاه سیدالشهدا علیه السلام پیوست. حبیب بن مظاهر تا قبل از نبرد روز عاشورا برای تقویت سپاه امام حسین علیه السلام بسیار تلاش کرد. او به روستایی در نزدیکی کربلا که جمعی از طایفه بنی‌اسد در آنجا زندگی می‌کردند، رفت و برای یاری امام حسین علیه السلام از آنان دعوت نمود. حبیب در موقعیت‌های حساس در صف مقدم نبرد حاضر شده و دشمن را موعظه و گاهی در برابر آنان احتجاج می‌کرد. حبیب به خاطر تجربه، شجاعت و پایداری که داشت، امام حسین علیه السلام او را در روز عاشورا به عنوان فرمانده جناح چپ (میسره) لشکر منصوب کرد. پس از شروع جنگ، وقتی دو نفر از لشکر عمر سعد به نام یَسار و سالم به میدان نبرد آمده، مبارز طلبیدند، حبیب و بُریر نخستین افرادی بودند که اعلام آمادگی کرده و برای نبرد با آنان حاضر شدند اما امام حسین علیه السلام در مرحله اول به آن دو اجازه نداد و عبدالله بن عمیر کلبی را به میدان فرستاد. حبیب با رجزهای کوبنده به میدان نبرد رفت و جنگ شدیدی کرد و سرانجام توسط مردانی از

بنی تمیم به شهادت رسید. شهادت حبیب برای امام حسین علیه السلام بسیار سخت تمام شد چنانکه برخی گفتند این مصیبت، حسین علیه السلام را درهم شکست و ناتوان کرد. از سوی دیگر، کشتن حبیب برای دشمن نیز بسیار مهم تلقی می شد چنانکه حُصین بن تمیم و مرد دیگری از بنی تمیم که در قتل حبیب دخالت داشتند، درباره سر مطهر حبیب با هم منازعه کردند تا اینکه اختلاف و منازعه آنها با میانجی گری قومشان چنین مصالحه شد که نخست حُصین بن تمیم سر حبیب را در میان لشکر گردش دهد تا همه مشارکت وی را در قتل حبیب ببینند و سپس آن را به مرد تمیمی بسپارد تا به کوفه نزد ابن زیاد ببرد.



منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر جزری، عزالدین علی بن ابی الکرّم (۱۹۶۵م)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق)، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ق)، *الإصابة فی تمییز الصحابة*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا)، *المناقب (یا مناقب آل ابی طالب)*، تصحیح هاشم رسولی و محمد حسین آشتیانی، قم، انتشارات علامه.
- ابن طاووس، سید علی بن موسی (۱۳۸۳ش)، *لهوف (سوگنامه سالار شهیدان)*، ترجمه علیرضا رجالی تهرانی، قم، انتشارات نبوغ.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، *البدایة و النهایة*، بیروت، دار الفکر.
- ابن نمای حلی، جعفر بن محمد (۱۴۰۶ق)، *مُثیر الاحزان*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۴۲ش)، *رجال البرقی (الطبقات)*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *جمل من أنساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر.
- خوارزمی، موفق بن احمد اخطب خوارزم (۱۳۸۱ش)، *مقتل الحسین*، تحقیق محمد سماوی، قم، انوار الهدی.
- دینوری، احمد بن داود (۱۳۷۳ش)، *الأخبار الطوال*، تصحیح جمال الدین شیال، تحقیق محمد عبدالمنعم عامر، قم، الشریف الرضی.
- سماوی، محمد (۱۳۷۷ش)، *إبصار العین فی أنصار الحسین*، تحقیق محمد جعفر طبسی، قم، مرکز الدراسات الاسلامیة لممثلیة الولی الفقیه فی حرس الثورة الاسلامیة.

- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الطبری (تاریخ الأمم والملوک)*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳ش)، *رجال الطوسی*، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
- فضیل بن زبیر اسدی کوفی (۱۴۰۶ق)، *تسمية من قُتل مع الحسين*، تحقیق محمد رضا حسینی جلالی، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، *رجال الكشي (اختيار معرفة الرجال)*، تلخیص محمد بن حسن طوسی، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸ش)، *دانشنامه امام حسین بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ*، همکاران: سید محمود طباطبایی نژاد، سید روح الله سید طباطبایی، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق الف)، *الإختصاص*، تصحیح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد.
- _____ (۱۴۱۳ق ب)، *الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد*، تحقیق مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد.

